

نقش جامعه‌ی بازاریان اهواز در انقلاب اسلامی

دکتر محمد علی رنجبر

استادیار گروه تاریخ دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

ranjbar@shirazu.ac.ir

علی ممبینی نوترگی

دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

Ali.m2071@yahoo.com

علی قنواتی

دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

چکیده

جامعه‌ی بازار به عنوان یکی از ارکان اصلی تاریخ اجتماعی ایران، از نظر اعتقادی تعلق شدید معنوی به اسلام و به ویژه آیین تشیع داشته و اثرات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی قابل توجهی در طول حیات جامعه‌ی ایرانی از خود بر جای گذاشته است. در جریان وقایع مربوط به انقلاب اسلامی، روح جمعی حاکم بر بازار تمایل شدیدی به دیدگاه‌های امام خمینی(ره) مبنی بر براندازی حکومت پهلوی نشان می‌داد. کنش‌های جامعه بازار و اصناف در این دوره شامل موارد ذیل می‌شد: ۱. بستن مغازه‌ها و تعطیلی بازار؛ ۲. حضور در انجمن‌ها و نشان دادن کنش‌های فرهنگی و اجتماعی از طریق انجمن‌ها؛ ۳. شرکت در تظاهرات و ایراد سخنرانی و برگزاری میتینگ‌های سیاسی؛ ۴. تأمین منابع مالی عوامل دست‌اندرکار انقلاب.

بازاریان اهواز با برقراری ارتباط مستقیم و غیر مستقیم با امام(ره)، از ایشان برای نحوه مبارزه با حکومت پهلوی رهنمودهایی دریافت می‌داشتند. این مقاله با استفاده از تاریخ شفاهی در پی روشن کردن زوایای تاریک و مبهم و چگونگی کنش‌های جامعه بازار اهواز در جریان انقلاب اسلامی است. باید گفت که اغلب کنش‌های بازاریان و اصناف اهواز نیز در راستا و قالب کنش‌های سایر اصناف و بازاریان کشور جای می‌گیرد.

واژگان کلیدی: امام خمینی، بازار، اصناف، اهواز، انقلاب اسلامی

مقدمه

بدون شک یکی از ارکان اصلی تاریخ اجتماعی مطالعه و بررسی نقش پیشه وران، اصناف و مؤسسات اقتصادی در تاریخ معاصر ایران می باشد. این مؤسسات که از نظر اعتقادی تعلق شدید معنوی به اسلام به ویژه به آیین تشیع داشته، اثرات اقتصادی- فرهنگی- سیاسی قابل توجهی بر جای گذاشته اند. رابطه بازاریان و روحانیون و همکاری آنها در ایران از مدت ها پیش قابل پیگیری است. این رابطه نزدیک و تنگاتنگ در دوران معاصر پررنگ تر و برجسته تر نیز می شود. اوج همکاری بازاریان و روحانیون در دو انقلاب تاریخ معاصر ایران یعنی مشروطیت و انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ است. بازاریان اهواز نیز در تعامل با رهبر انقلاب امام خمینی (ره) و اجرای فرامین ایشان در خصوص مبارزه با حکومت پهلوی، از جمله بازاریان فعال کشور بودند. هرچند آغاز فعالیت های انقلابی آنها از ابتدای دهه ۱۳۳۰ قابل پیگیری است، اما این فعالیت ها با آغاز رهبری امام خمینی (ره) در ابتدای دهه ۱۳۴۰ آشکارتر و جهت و هدف آنها نیز مشخص تر گردید.

حال باید پرسید که بازاریان اهواز چگونه با اندیشه ها و افکار امام تعامل برقرار کرده و چه فعالیت هایی در این راستا انجام دادند؟ در واقع کنش ها و واکنش های جامعه بازار و اصناف اهواز در جریان های مرتبط با پیروزی انقلاب اسلامی چه بود؟ در کدام حوزه ها کنش های مهم تر و تأثیرگذارتری انجام دادند؟ آیا کنش های آنها تا پیروزی انقلاب تداوم یافت؟ آیا این کنش ها از جنس کنش های دیگر اصناف و بازاریان سراسر کشور بود یا اینکه تفاوت های آشکاری با کنش های آنها داشت؟ آیا می توان تشابهاتی میان کنش های بازاریان و اصناف در سرتاسر تاریخ معاصر ایران پیدا نمود؟ این ها سوالاتی است که این پژوهش در پی پاسخ گویی به آنها است.

به علاوه اهمیت این پژوهش در این است که تاریخ شفاهی را به تاریخ کتبی بدل کرده و گوشه هایی از تلاش ها و کنش های جامعه بازار و اصناف اهواز را در راستای تحقق انقلاب اسلامی به شیوه مصاحبه به ثبت رسانده است. در کنار روش مصاحبه می بایست اشاره کرد که در این مقاله از منابع کتابخانه ای و اسنادی نیز استفاده شده است.

مفاهیم بازار و جامعه بازار

صنف در لغت به معنای گونه، نوع و رسته است. (فروتن، ص ۱۲۰۷). صنف گروهی اقتصادی و اجتماعی است از اشخاصی که کسب و کار یا حرفه‌ی آنان یکسان است. مثل صنف نانویان یا صنف پارچه فروشان. (مصاحب و دیگران، ص ۱۵۸۰؛ نیز ر.ک: انوری، ص ۴۷۴۵). این کلمه توسط مورخان قدیم برای بیان اجتماعات پیشه وری در جامعه اسلامی به کار رفته است. یعقوبی اشاره می‌کند که منصور عباسی هنگام بنیان شهر بغداد، صنعتگران را از سرزمین های مختلف گرد آورد که تعداد آنها به صد هزار تن از اصناف پیشه ها و صناعات بالغ می‌گردید. (یعقوبی، ص ۹). طبری نیز اشاره می‌کند که در شهر کرخ برای هر صنف رسته ها و سراهایی خاص وجود داشت. (طبری، ج ۱۱، ص ۴۹۱۸). یاقوت نیز کلمه‌ی صنف را در مورد اهل مشاغل و پیشه ها به کار می‌برد. مانند صنف صرافان، صنف زرگران. (حموی، صص ۴۵۸-۴۶۰). در واقع واژه صنف در جامعه اسلامی بیانگر گروه های شغلی و پیشه وری بوده است. هم چنانکه به آن ها «اصحاب المهن» (صاحبان مشاغل، کسبه)، «اصحاب حرف» (پیشه وران) و «ارباب مهن و حرف» (کسبه و پیشه وران) گفته می‌شده است. (سعید الشیخلی، ص ۵۲).

اما فلسفه‌ی تشکیلات و تشکل اصناف و پیشه وران چه بوده و با چه هدفی به این کار اقدام شده است؟ باید گفت که اصولاً این تشکیلات مرکزی بوده است برای دفاع از هویت و موجودیت صنفی اصناف و پیشه‌وران در برابر تهاجمات و احیاناً اعتراضات دولت؛ بدون تردید اقتدار مالی و اقتصادی اصناف و پیشه‌وران یکی از عوامل تثبیت هویت و موجودیت آن‌ها بوده است. اولین واحدهای صنفی در ایران از زمان ساسانیان شکل گرفته و صنوف مختلف برای حفظ حقوق خویش از آن دوران به بعد به وجود آمده اند. وضعیت فوق تا دوره قاجار ادامه یافت تا اینکه در این دوره تشکیلات صنفی به شکلی منسجم تر درآمد. (خسروی و وفایی یگانه، ص ۴۴).

درباره اینکه آیا حکومت‌ها و دولت‌ها در به وجود آوردن سازمان‌های صنفی نقش داشته‌اند یا نه، نمی‌توان به صورت قطعی پاسخ داد؛ زیرا نقش اصناف و پیشه وران را باید در هر یک از دوره های اقتدار حکومت‌ها و سلسله‌ها ارزیابی نمود و توان اقتصادی حکومت‌ها را نیز بررسی کرد. اصناف و پیشه‌وران در دوره‌های اسلامی ایران دارای سازمانی نسبتاً مستقل بوده اند، به جز برخی از سازمان های صنفی که حکومت‌ها و دولت‌ها در سرای و ارتش خویش داشته اند. ولی پیشه-وران و صنعت‌گران آزاد فقط رابطه‌ی سیاسی و مالیاتی با دولت داشته‌اند و لا غیر. (روحانی، ص ۹۸). در واقع در دوره اسلامی دولت از طریق «محتسب» بر بازارها و فعالیت های پیشه وران و

صاحبان حرف نظارت می‌کرد. محتسب موظف بود که بر همه‌ی صاحبان حرف و مشاغل در شهرهای اسلامی نظارت داشته باشد. (سعید الشیخلی، ص ۱۱۸). اگرچه اصناف به لحاظ پرداخت مالیات تابع دولت‌های وقت بوده اند و دولت از طریق مجریان اصناف بر پیشه وران و نرخ‌ها و حتی نحوه ی ارائه کالاها نظارت داشته، اما از دوره صفویه تا معاصر اصناف همواره رابطه‌ای تنگاتنگ و نزدیک با علما و مقامات دینی داشته اند.

در قانون نظام صنفی کنونی فرد صنفی اینگونه تعریف شده است: هر شخص حقیقی یا حقوقی که در یکی از فعالیت‌های صنفی اعم از تولید، تبدیل، خرید و فروش، توزیع، خدمات و خدمات فنی سرمایه گذاری کند و به عنوان پیشه ور و صاحب حرفه و شغل آزاد، خواه به‌شخصه یا با مشارکت دیگران محل کسب دایر یا وسیله‌ی کسبی فراهم کند و تمام یا قسمتی از کالا، محصول یا خدمات خود را به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم و به صورت کلی یا جزئی به مصرف کننده عرضه دارد. در همین قانون، واحد صنفی نیز به هر واحد اقتصادی گفته می‌شود که فعالیت آنان در محل ثابت یا وسیله سیار باشد و توسط فرد یا افرادی صنفی با اخذ پروانه کسب دایر شده باشد. (کمالان، ص ۵). بنا به تعریفی که در قانون نظام صنفی آمده است آن گروه از افراد صنفی که طبیعت فعالیت آنان از یک نوع باشد، تشکیل یک صنف را می‌دهند. نظام صنفی نیز قواعد و مقرراتی است که امور مربوط به سازمان، وظایف، اختیارات، حدود و حقوق افراد و واحدهای صنفی را طبق این قوانین تعیین می‌کند. (همان، صص ۵ و ۶).

جامعه بازار یعنی جامعه‌ای که همه‌ی جنبه‌هایش به نحو فزاینده‌ای زیر سلطه و سیطره مبادله‌ی پولی کالاها قرار گرفته است (اسلیتر و تونکیس، ۱۳۸۶: ۱۷). بازار جغرافیایی بازاری است که در ملاء عام و در زمان و مکانی خاص بر پا می‌شود و بناها، قواعد، موسسات اداره کننده و ساخت‌های اجتماعی دیگری را هم دربر دارد. موقعیت فضایی و زمانی بازار جغرافیایی ویژگی مهم آن است. در این بازار اشکال بسیار متنوعی از مبادلات و تعاملات دیده می‌شود که معاملات کالایی صرف یک نوع ساده آن است. بازار جغرافیایی به مثابه یک رویداد منسجم، همیشه دارای یک ویژگی فرهنگی اختصاصی و دربردارنده‌ی کنش‌ها و مناسبات اجتماعی عدیده است. این بازارها محلی است برای تجمعی از توده مردم که در آن افراد با زندگی عمومی احساس نزدیکی می‌کنند. جذابیت‌های بازار جغرافیایی آن را به نوعی به مکانی مستعد طغیان و محلی برای گردهمایی‌های خودجوش جماعات بدل می‌کند. می‌دانیم که هیچ شهری بدون بازار نیست و هیچ بازار منطقه ای یا ملی بدون شهر نمی‌تواند وجود داشته باشد. در واقع بازارهای جغرافیایی اغلب

طی مناسبات پیچیده‌ای با حکومت‌های محلی شهری پدیدار می‌شوند. این بازارها جنبه عمومی دارند و می‌توانند تصورات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی عموم مردم را با هم درآمیزند (اسلیتر و تونکیس، ۱۳۸۶: ۲۲-۲۷).

با ظهور بازارهای مدرن، ایده‌ی بازار از مکان و آدم‌های مشخص جدا شد و مفهومی انتزاعی تر به خود گرفت. بازار مدرن گونه‌ای واحد از مبادلات اقتصادی جلوه داده شد که از هر نوع ترتیبات فرهنگی خاص فراتر می‌رفت. بر خلاف بازارهای جغرافیایی که جنبه عمومی داشتند، بازارهای مدرن جنبه خصوصی پیدا کرده‌اند. بازیگران بازارهای خصوصی در ملاء عام گرد نمی‌آیند تا در معرض دید و در ارتباط مستقیم با طرف‌های دیگر باشند. روابط، ملاقات‌ها و فعالیت‌های آن‌ها عمدتاً از دید کسانی که نمی‌توانند در این سطح عمل کنند، پنهان است (اسلیتر و تونکیس، ۱۳۸۶: ۲۳ و ۲۹). بازار انتزاعی مدرن بسان یک رویداد قابل رؤیت نیست. با وجود اینکه در جوامع کنونی بازار خصوصی به نیروی محرکه‌ی مدرن سازی و کانون نظم اجتماعی جدید بدل می‌شود اما می‌توان گفت که در قلمرو مصرف، خرید و خرده فروشی هنوز بازار عمومی وجود دارد و کماکان به حیات خود ادامه می‌دهد (اسلیتر و تونکیس، ۱۳۸۶: ۳۴).

در ایران و در بازه زمانی مورد نظر این مقاله نیز به طور کلی می‌توان شاهد وجود بازارهایی بود که ویژگی‌های آن‌ها به ویژگی‌های بازارهای سنتی بسیار نزدیک است. این بازارها معمولاً در وسط شهرهای بزرگ و در کنار مساجد قرار داشتند. وجود مسجد در کنار بازار از ویژگی‌های فرهنگی و معماری ایران دوره اسلامی است. در شهر اهواز دو بازار بزرگ در دو خیابان نادری و امام (پهلوی سابق) و بازارهای کوچکتری در اطراف و ما بین این دو خیابان قرار داشت که هنوز نیز بعد از گذشت چند دهه از انقلاب اسلامی از بزرگترین و پر رفت و آمدترین بازارهای اهواز به شمار می‌روند. در بازه زمانی مورد نظر، این بازارها هرچند دارای برخی ویژگی‌های بازارهای مدرن بودند اما بسیاری از خصوصیات بازارهای سنتی و جغرافیایی را نیز دارا بوده و قادر بودند تصورات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی عموم مردم را با هم درآمیزند.

کنش‌های سیاسی بازار و رابطه‌ی آن با روحانیت

با توجه به ویژگی‌هایی که برای بازار و به ویژه بازارهای عمومی، سنتی یا جغرافیایی ذکر شد، مشخص گردید که این مکان‌ها دربردارنده‌ی یک ویژگی فرهنگی خاص و کنش‌ها و مناسبات اجتماعی عدیده‌ای هستند و محیط‌هایی مستعد برای طغیان و گردهمایی‌های خودجوش جماعات به شمار می‌روند. روح جمعی حاکم بر بازار که سبب ساز پیوند میان بازاریان است، موجبات حضور پر رنگ آن‌ها را در جریان‌های سیاسی معاصر فراهم آورده است. به طور کلی می‌توان کنش‌های بازاریان و اصناف بازاری را در جریان‌های سیاسی دوره معاصر در قالب موارد زیر گنجانند:

۱. بستن مغازه‌ها و تعطیلی بازار؛ این کنش از بارزترین و مهم‌ترین کنش‌های بازار در جریان مسائل بغرنج سیاسی است و می‌توان گفت که در صورت همراهی بازار با جریان مخالف دولت، این اقدام همواره یکی از اهرم‌های فشار مخالفین علیه دولت به شمار می‌رفته است. امام خمینی (ره) در این باره معتقد بود که در طول تاریخ هر مشکلی پیدا می‌شد، کافی بود که نصف روز بازار بسته شود تا بدین طریق آن مشکل نیز حل شود (امام خمینی، ۱۳۸۷: ۴۳۲). نمونه‌های آن را می‌توان در جریان انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی مشاهده نمود. ۲. حضور در انجمن‌ها؛ تشکیل انجمن‌های گوناگون از دوره مشروطه گسترش چشم‌گیری پیدا کرد. بازاریان و اصناف در مسائل سیاسی معاصر کنش‌ها و فعالیت‌های خود را در قالب انجمن‌های مختلف به منصفه ظهور می‌رساندند. فعالیتهای اجتماعی و فرهنگی زیادی از طریق این انجمن‌ها صورت می‌پذیرفت. امام خمینی نیز بازار و بازاریان را منشأ خدمات اجتماعی فراوان دانسته است. ۳. شرکت در تظاهرات و بست نشینی‌ها؛ یکی از عوامل مهمی که نقش گسترده‌ای در راهپیمایی‌ها و تظاهرات علیه حکومت پهلوی داشته‌اند، جماعت اصناف و بازاریان می‌باشند. آن‌ها در قالب همین تظاهرات گاه به سخنرانی و برگزاری میتینگ‌های سیاسی نیز مبادرت می‌ورزیدند. بست‌نشینی بیشتر یادآور کنش‌های بازاریان در دوره مشروطیت است. ۴. تأمین مالی عوامل دست‌اندرکار انقلاب‌ها؛ شاید بتوان گفت که این مورد یکی از برجسته‌ترین عوامل پیوند بازاریان و اصناف با علما و روحانیت مبارز ایران بوده است.

باید دانست که در تاریخ معاصر ایران همواره رابطه‌ای نزدیک و دوستانه میان روحانیت و بازار وجود داشته است. همکاری روحانیون و بازار در جنبش تنباکو، انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی بارز و آشکار است. به گونه‌ای که از دیدگاه جان فوران نویسنده کتاب «مقاومت شکننده»، پر شورترین هواداران امام خمینی، بازرگانان و پیشه‌وران بازار بودند که منابع مالی، شبکه‌های

ارتباطی و نیروهای مردمی اغلب تظاهرات را تأمین می‌کردند (فوران، ۱۳۸۲: ۴۹۹ و ۵۶۸). امام خمینی به عنوان بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران نیز بارها به تمجید از کنش‌های بازار در جریان انقلاب اسلامی پرداخته و بازاری‌ها را بازوان ستبر انقلاب دانسته است. وی همراهی اصناف و بازاریان را با انقلاب از عوامل مهم پیروزی دانسته است (امام خمینی، ۱۳۸۷: ۴۳۳ و ۴۳۶).

گذری کوتاه در کنش‌های سیاسی بازاریان و اصناف از مشروطه تا انقلاب اسلامی

قبل از پرداختن به فعالیت‌ها و کنش‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی بازاریان اهواز، نظر و گذری کوتاه و مجمل در کنش‌های جامعه بازار ایران از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی ضروری است. باید گفت که بازاریان در برهه‌های حساس و بزنگاه‌های سیاسی تاریخ معاصر ایران، نقش مؤثری ایفا کرده‌اند. در وقایع مربوط به قتل گریبایدوف، فرستاده دولت روسیه در دوره فتحعلی شاه و نیز در جریان جنبش تنباکو، حضور بازاریان غیر قابل انکار است. اما حضور بازاریان در جریان انقلاب مشروطه بسیار فراگیرتر و گسترده‌تر بود.

در جریان انقلاب مشروطه، پیشه‌وران - صنعتگران، وردست‌ها و شاگردها و دکان‌داران خرده‌پا - و طبقه کارگر شهری در حال پیدایش، پشتوانه مردمی انقلاب بودند. از بست نشینی بزرگ ۱۲۸۵ ش در تهران تا مقاومت طولانی مدت در برابر قوای روسیه در تبریز، همه جا پیشگام انقلاب بودند. کنش‌های آنها شامل بستن مغازه‌ها، حضور در انجمن‌ها، درگیری با نیروهای مسلح و شرکت در جماعت مشروطه خواهان بست نشین می‌شد. حتی پینه‌دوزها، گردو فروش‌ها و کاسه بندزن‌ها برای خودشان در جریان بست نشینی در سفارت بریتانیا چادری جداگانه داشتند (کسروی، ۱۳۵۱: ۱۱۰). با تعطیلی بازار در این ایام پایتخت فلج گردید. زنان نیز که ده‌ها انجمن بر پا کرده و با فروش جواهراتشان برای تأمین پول جهت ایجاد بانک ملی و نیز ایراد سخنرانی‌ها و جنگیدن در کنار مردان مبارز در پیشبرد انقلاب مشروطه نقش داشتند، از میان بازار و طبقه‌های متوسط آمده بودند (فوران، ۱۳۸۲: ۲۷۳ - ۲۷۶).

در دوره رضا شاه به طور کلی شیوه تولید خرده کالایی که پیشه‌وران را نیز شامل می‌شد، در برابر دولت و بخش سرمایه داری از نظر سیاسی و اقتصادی شدیداً آفت کرد. بدترین صدمه اقتصادی را نه از دولت بلکه از تولید صنعتی و واردات مصنوعات خارجی متحمل شدند. رضا شاه با لغو امتیازات مالیاتی ۲۱۶ صنف، دشمنی خود را با اصناف نمایان ساخت. زیرا با این کار قدرت رؤسای اصناف را در مورد تعیین میزان مالیات پرداختی هر کدام از اعضا از دستشان گرفت و

بدین ترتیب راه را برای تضعیف سازمان‌های بازار هموار ساخت (آبراهامیان، ۱۳۸۰: ۱۳۹). در سطح سیاسی نیز اصناف بیش از هر زمان دیگری در گذشته تحت مراقبت دولت بودند و در جلسات آنها ناظری از سوی پلیس محلی وجود داشت (فوران، ۱۳۸۲: ۳۵۶).

با وجود این محدودیت‌ها از بعد فرهنگ سیاسی، بازار دژ حمایت از اسلام و یکی از کانون‌های نارضایتی از دولت بود. برای مثال در جریان مخالفت با جمهوری رضاخانی که جمهوری‌طلبان سردار سپه در حمایت از او می‌خواستند نمایندگان مجلس را وادار به اتمام کار جمهوری کنند، تجار، روحانیون و کسبه با جمعیت سی‌چهل هزار نفری به بهارستان هجوم بردند تا نگذارند مجلس به این عمل دست زند (دولت آبادی، ۱۳۳۱، ج ۴: ۱۲۹). هنگامی که در سال ۱۳۰۶ مقررات خدمت نظام وظیفه عمومی اعلام شد، در اعتراض نسبت به این امر در اصفهان، تبریز و شیراز بازارها بسته شد (فوران، ۱۳۸۲: ۳۷۵).

در دوره پهلوی دوم با گسترش وجه سرمایه داری، وجه تولید خرده کالایی بازاری دستخوش انقباض شد، ولی از بین نرفت. یکی از شاخص‌های تقریبی افول بازار به خاطر زیاد شدن بانک‌ها، افزایش فروشگاه‌های زنجیره‌ای و مراکز خرید جدید بود (فوران، ۱۳۸۲: ۴۹۵ - ۴۹۷). مالکان فروشگاه‌های محلی در زمره طبقه متوسط قدیم قرار می‌گیرند (گیدنز، ۱۳۸۲: ۲۵۲). این طبقات متوسط نظیر صنعتگران و مغازه داران بازار از کانونهای پر جنب و جوش و ناراضی اجتماعی و ناسیونالیستی در دوران پس از جنگ دوم جهانی بودند. این افراد مشکلات ایران را در ارتباط با منافع خارجی‌ها می‌دانستند. آنها به طبقه مذهبی (روحانیون) متصل بودند (آرکدی، ۱۳۶۹: ۱۷۸ و ۱۹۷).

در این دوره نه تنها از مخالفت‌های اصناف کاسته نشد بلکه حضور آنها پر دامنه‌تر و همه جانبه‌تر هم شد. مصدق که در سال ۱۳۲۰ دوباره به صحنه سیاست بازگشت با حمایت رؤسای اصناف تهران و انجمن‌های صنفی مبارزات انتخاباتی خود را آغاز کرد. در ۱۵ اسفند ۱۳۲۲ که دانشجویان دانشکده حقوق دکتر مصدق را به مجلس می‌بردند، به طرف آنها تیراندازی شد هنگامی که این‌خبر به گوش مردم رسید، بازار را تعطیل کردند و تمام کسبه و اصناف دکان‌های خود را بستند (کی استوان، ۱۳۲۷: ۲۹۴). بازار بویژه مغازه داران، پیشه‌وران و بازرگانان روی هم رفته یکی از عوامل قدرت مصدق بودند. هنگامی که دولت مصدق از همه طرف در مضیقه قرار گرفت، در اواخر سال ۱۳۳۱، اوراق قرضه ملی معادل ۲۵ میلیون دلار انتشار داد که خریدار آنها جز بازاریان و مردم طبقه پایین کسی نبود (فوران، ۱۳۸۲: ۴۳۱). اصناف در تشکیل دو حزب زحمت‌کشان و

سازمان مجاهدین اسلامی نیز شرکت داشتند. بازاریان آنقدر دارای نفوذ بودند که حتی دولت انگلستان نیز به این امر پی برد و وقتی تصمیم به کودتا علیه دولت مصدق گرفت، تعداد زیادی از زبده‌ترین جاسوسان و شرق شناسان را برای این کار اجیر کرد. این افراد در کنار عوامل دیگر، برادران رشیدیان (از محافل بازار) را نیز برای این امر انتخاب کردند (مقصودی، ۱۳۸۹: ۱۴۳).

در قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ قیام کنندگان به ترتیب بازاریان، دست فروشان، دانشجویان، دانش آموزان و بیکاران بودند (نجاتی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۲۳۹). وقتی در نیمه سال ۱۳۴۲ حکومت شاه به سرکوب مخالفان پرداخت، در کنار سران نهضت آزادی و چند تن از سران حزب ملت ایران، چند تن از بازاریان را نیز به زندان انداخت. بازاری‌ها در پیشبرد اهداف گروه‌های چریکی و فعالیت‌های مسلحانه‌ای که علیه حکومت محمدرضا شاه انجام می‌گرفت، هم نقش داشتند و با حمایت‌های مالی خود این گروه‌ها را به ادامه فعالیت‌هایشان دلگرم می‌کردند (نجاتی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۳۸۷). جمعیت مولفه اسلامی یا هیئت‌های مولفه اسلامی نیز از ائتلاف سه گروه که در بازار فعال بودند، تشکیل می‌شد: ۱- گروه مسجد امین الدوله (بازار دروازه) ۲- هیأت یا گروه مسجد شیخ علی ۳- گروه اصفهانی‌ها (مقصودی، ۱۳۸۹: ۲۵۱).

سرانجام با فرارسیدن دهه ۱۳۵۰ تجار بازار تهران برای مقابله با فعالیت‌های حزب رستاخیز، جامعه بازرگانان، اصناف و پیشه‌روان را تشکیل دادند. در واقع با تشکیل حزب رستاخیز و هجومی که این حزب به بازار و تشکیلات مذهبی کرد همان پل‌های محدودی که در گذشته حکومت را با جامعه پیوند می‌داد، در هم شکسته شد و خشم هزاران نفر از مغازه داران، کسبه خرده پا، مقامات مذهبی و حامیان بازاری آنها را برانگیخت (آبراهامیان، ۱۳۸۰: ۶۶۵ و ۶۰۹). در روز ۱۹ دی ۵۶ در اعتراض به مقاله روزنامه اطلاعات در توهین به امام تظاهرات مردم قم به خاک و خون کشیده شد. جامعه بازرگانان و پیشه‌وران بازار تهران در اعلامیه‌ای، ضمن محکوم کردن اهانت به آیت الله خمینی از بازاریان خواست به نشانه اعتراض روز ۲۹ دی ماه را تعطیل کنند. حکومت برای مقابله با این بحران مجبور به کنار گذاشتن سیاست‌هایی شد که بازاریان و روحانیون را به تحرک و امی- داشت. گروه‌های بازرسی بد نام را منحل کرد. مغازه دارانی را که به سبب گرانفروشی زندانی بودند، بخشید. طرح ایجاد فروشگاه‌های زنجیره‌ای دولتی را متوقف کرد (استمپل، ۱۳۷۷: ۴۸۱). این اقدامات موثر نبود بلکه اصناف با عزمی راسخ‌تر در ادامه تظاهرات شرکت کردند.

به طور کلی در دوره پهلوی دوم دولت و بازار رابطه‌ای تخصص‌آمیز با هم داشتند. در سال ۱۳۵۴ - ۱۳۵۵ دولت اصناف را زیر کنترل گرفت و بازاریان را مسئول عمده تورم قلمداد کرد و

هزاران نفر جریمه و توفیق شدند. با این وجود ساواک از نفوذ دادن عوامل خود به بازار مشکل داشت، زیرا بازرگانان، پیشه وران و شاگرد مغازه‌ها تقریباً همگی یکدیگر را می‌شناختند و هر تازه واردی به بازار به دقت زیر نظر رئیس صنف قرار می‌گرفت. شبکه‌های اطلاعاتی مردم نیز در سراسر محافل دینی و مسجدهای محل وجود داشت. در واقع از طریق خرید کلی، حمایت متقابل و نظام اعتباری مستقل (قرض‌الحسنه) احساس همبستگی اجتماعی بازار تقویت گردید و به تلافی اقدامات دولت به روحانیون کمک‌های مالی سنگینی کردند (فوران، ۱۳۸۲: ۴۹۷).

واکنش بازاریان اهواز به قیام ۱۵ خرداد ۴۲

فعالیت‌های امام خمینی در مبارزه با حکومت پهلوی از ابتدای دهه ی ۱۳۴۰ و با اعتراض به لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و پس از آن اصلاحات ارضی آغاز شد که سرانجام منجر به دستگیری ایشان و قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ گردید. هنگامی که امام با اعتراضات مردمی و درخواست های مکرر آنها آزاد شد، گروه‌های مختلف مردمی به دیدار ایشان در قم شتافتند. بازاریان اهواز نیز به گفته‌ی حسین سراجان (از بازاریان و انقلابیون اهواز) با وجود همه‌ی کار شکنی‌های ساواک به دیدار ایشان در قم شتافتند و حمایت خود را از او اعلام داشتند و بودجه‌ای را در اختیار امام گذاشتند (سراجان، ۱۳۹۱). صحت گفته‌های ایشان را اسناد به جا مانده از ساواک تأیید می‌کند. (سند، بی‌تا: ش ۰۰۶۶۶۰۱۸).

علاوه بر این حرکت و نیز چاپ و پخش اعلامیه و تراکت‌ها در اعتراض به دستگیری امام، اصناف اهواز با فرستادن تلگراف‌هایی به دربار پهلوی، خواستار آزادی ایشان شدند. از جمله‌ی این تلگراف‌ها تلگراف بازاریان بازار پهلوی (امام فعلی) است که در آن ضمن ابراز ناراحتی خود از این امر، خواستار آزادی امام شدند (سند، بی‌تا: ش ۱۱۹۲۲۸). صنف‌های دیگر از جمله نانوایان، کتابفروشان و پیراهن دوزان اهواز نیز هر کدام با فرستادن تلگراف‌های جداگانه، ضمن ابراز تأسف از این امر خواهان خواهان آزادی امام شدند (سند، بی‌تا، ش ۱۱۹۲۲۳، ۱۱۹۲۲۴ و ۰۰۶۶۲۰۰۹).

جلسات علما و اصناف

از جمله فعالیت‌ها و کنش‌های بازاریان اهواز در حمایت از آیت‌الله خمینی به وجود آوردن تشکیلات علما (از جمله آیت‌الله شفیعی و آیت‌الله مروج) و اصناف بود که همراه با سایر اقشار مردم جلساتی تحت عنوان همبستگی تشکیل دادند (شمس، ۱۳۹۱). از نتایج این جلسات می‌توان به شناخت بیشتر امام برای مردم استان خوزستان اشاره کرد. زیرا بعضی از روحانیونی که به دعوت دست اندرکاران این جلسات به اهواز می‌آمدند، بی‌محابا از امام نام می‌بردند (بزاز، ۱۳۹۱). با دستگیری امام این جلسات نیز توسط ساواک تعطیل شد.

جلسات و فیات و اعیاد

با تعطیلی جلسات علما و اصناف، بازاریان اهواز این بار برای حمایت از امام دست به ابتکار تازه‌ای زدند و جلسات دیگری تحت عنوان جلسات و فیات و اعیاد تشکیل دادند. برگزیدن این عنوان عمل هوشمندانه‌ای بود. چون با توجه به آیین تشیع که در آن بزرگداشت اعیاد و فیات امامان و بزرگان دینی جایگاه مهمی دارد، فعالیت در این پوشش بهانه کمتری به دست دولت پهلوی برای مخالفت با آن می‌داد.

با توجه به این که روحانیون مبارز و سرشناس از سراسر کشور از جمله گلسرخی و قرائتی، برای سخنرانی به این جلسات دعوت می‌شدند، این جلسات تأثیر به‌سزایی در شناساندن امام و اهداف ایشان به مردم داشت (بزاز، ۱۳۹۱). از دیگر تأثیرات این جلسات الهام‌گیری عده‌ای از جوانان اهوازی از آن برای تبلیغ علیه حکومت پهلوی بود (علم، ۱۳۸۶: ۳۰۰). جلسات و فیات و اعیاد نیز پس از آن که مورد توجه واقع شد، توسط ساواک و البته با همکاری گروهی از روحانیون که به دلایل شخصی با این جلسات مخالف بودند به تعطیلی کشانده شد. از دیدگاه این روحانیون این جلسات مشکوک بود و کارهای مخالف اسلام در آن‌ها صورت می‌گرفت.

انجمن موحدین

از دیگر فعالیت‌های بازاریان و اصناف اهواز در حمایت از امام و انقلاب، تشکیل انجمن‌های مختلف در سطح شهر اهواز بود. از این میان انجمن موحدین و انجمن دانشوران به دلیل ابعاد مختلف فعالیت‌هایشان شناخته شده‌تر هستند. انجمن موحدین قبل از سایر انجمن‌ها شروع به فعالیت نمود. هر چند شروع فعالیت‌های انجمن موحدین در پایان دهه ۱۳۳۰ و قبل از شروع فعالیت‌های امام بود، اما با آغاز مخالفت‌های امام علیه حکومت پهلوی این انجمن خود را با

فعالیت‌های ایشان هماهنگ نمود و به همین دلیل سرانجام تعطیل شد. مؤسس این انجمن محمد پنبه‌کار بود. او این مکان را برای هدایت جوانان و بیان مسائل دینی راه اندازی کرد. آقای پنبه‌کار از افراد دیگری برای راه اندازی این انجمن یاری جستند، که اکثراً از بازاریان اهواز بودند (آقای بزاز، ۱۳۹۱). در خصوص این افراد از افرادی چون مرحوم یحیوی، حاج عبدالحسین صانع و نیز محمدعلی خبازیان نام برده می‌شود که هر سه از بازاریان سرشناس اهواز بودند (کرمانشاهی، ۱۳۹۱). هر چند فعالیت اصلی انجمن موحدین به اصلاح الگوی اخلاقی جوانان در آن روزها مربوط می‌شد؛ اما اعضا که بیشتر از بازاریان بودند، از فعالیت‌های سیاسی نیز غافل نبوده و در ضمن سخنرانی تا حد امکان به بیان مسائل انقلابی می‌پرداختند. از جمله مهم‌ترین فعالیت‌های سیاسی انجمن واکنش و شرکت در حوادث مربوط به لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی بود. فعالیت گروه در سال‌های ۴۱ و ۴۲ بیشتر پیرامون این لایحه و انقلاب سفید بود که با ایراد سخنرانی موضوعات یاد شده را محکوم و مخالفت خود را اعلام می‌داشتند (بزاز، ۱۳۹۱). در مورد پایان کار انجمن گفته می‌شود که چون حکومت رونق کار انجمن را دید، دستور داد که انجمن باید پروانه‌ی ادامه‌ی فعالیت بگیرد. اما چون مؤسسان به علت مخالفت با شاه حاضر به انجام این کار نشدند، انجمن تعطیل شد (بزاز، ۱۳۹۱). اما تعطیلی انجمن موحدین ضربه‌ای به فعالیت‌های انقلابی بازاریان اهواز وارد نکرد و آنها این بار ادامه‌ی فعالیت‌هایشان را در قالب انجمن دانشوران به منصفی ظهور رساندند.

انجمن دانشوران

انجمن دانشوران در حوزه‌ی علمیه‌ی آیت‌الله بروجردی در خیابان کاوه‌ی اهواز و توسط روحانی‌ای به نام آقای اسماعیل مرعشی شروع به فعالیت نمود و از آنجا که وی با انجمن موحدین در ارتباط بود، از کار این انجمن الگو برداری کرده و فعالیت‌های خود را آغاز نمود. اولین کار وی راه اندازی کتابخانه‌ای در حوزه بود که در واقع می‌توان گفت کتابخانه‌ی شهر اهواز بود. اقدام بعدی ایشان دعوت از آقای بزاز بود که در انجمن موحدین سخنرانی‌های پر شوری ایراد می‌کرد و باعث جذب جوانان می‌شد. اما پس از چندی که آقای مرعشی از ادامه کار منصرف شد، بازاریان اهواز نبض کار را در دست گرفته و از تعطیلی انجمن جلوگیری کردند. بازاریانی که مؤسسان جدید این انجمن به شمار می‌رفتند عبارت بودند از آقایان حاج علی شمس، ابوالقاسم کجباف، حسین سراجان، عبدالرسول بهنیا و آقای درفشان (بزاز، ۱۳۹۱). علل

تأسیس این انجمن متعددند. در همین راستا باید از جذب جوانان و تربیت آنها، احساس نیاز بازاریان به احیای اسلام، ایجاد شناخت از اسلام، جمع کردن اعانات برای مستضعفین و تقسیم آنها و حمایت از امام یاد کرد. انجمن دانشوران فعالیت‌های زیادی در سطح شهر اهواز و حتی استان داشت. این انجمن که به انجمنی دیرپا در سطح استان تبدیل شد، فعالیت‌های مختلفی چون برگزاری جلسات سخنرانی، تشکیل کلاس‌های آموزشی، کمک‌های مالی به محرومان و آسیب دیدگان انقلابی، پخش اعلامیه‌های امام و ... را انجام می‌داد.

ابتدای امر گروهی در انجمن برای دعوت از سخنرانان از سراسر کشور تشکیل شد. این گروه سعی می‌کرد سخنرانان بنام را که با امام در ارتباط بودند، به استان دعوت کند و به همین دلیل با آیت‌الله ربانی شیرازی که با امام در ارتباط بودند، ارتباط برقرار کرده و ایشان به رابط انجمن و امام بدل شدند. (بزاز، ۱۳۹۱). سخنرانانی که دعوت می‌شدند همواره از مبارزه با حکومت و همراهی با امام دم می‌زدند و مردم را با مسائل انقلاب آشنا می‌کردند. (بزاز، ۱۳۹۱). از دیگر کنش‌هایی که این انجمن در راستای اشاعه انقلاب انجام می‌داد، پخش اعلامیه‌های امام بود. این کار با خطرات زیادی مواجه بود و اگر کسی دستگیر می‌شد زندان، شکنجه و حتی کشته شدن انتظارش را می‌کشید (شمس، ۱۳۹۱). با این وجود بازاریان این کار را با علاقه‌ی خاصی دنبال می‌کردند و به این ترتیب دستورات و فرمایشات امام را به مردم می‌رساندند.

امام همیشه بر رسیدگی به حال مستضعفان تأکید خاصی داشتند. در این رستا انجمن دانشوران دست به اقدام زد و به حدود ۸۰ خانواده‌ی ایتم کمک کرد و هزینه‌های مختلف آنان را تأمین نمود (حدادپور، ۱۳۹۱). انجمن دانشوران در راستای فرموده‌های امام در آموزش زنان بخش ویژه‌ای را در انجمن به این امر اختصاص داد و مسائل اسلامی و انقلابی را به زنان آموزش می‌داد. سرانجام این انجمن با تشکیل حزب رستاخیز در سال ۱۳۵۴ که قرار شد تنها حزب رسمی کشور باشد، پس از چهارده سال فعالیت تعطیل شد.

مؤسسه فاطمیه

بازاریان در امر مدرسه سازی نیز فعال بوده و آقای حدادپور به تنهایی دومدرسه در سطح شهر اهواز احداث نمود. در راستای فرمایشات امام برای آموزش مسائل مختلف به زنان آقای حدادپور مؤسسه دینی فاطمیه (زینبیه) را در اهواز راه اندازی کردند. بنای این مؤسسه در سال ۱۳۵۱ بود و مدرسانی چون آقایان قرائتی، گل‌سرخ‌ی و خزعلی در آنجا مشغول تدریس به بانوان

بودند. رساله‌ی امام، کتابهای دکتر شریعتی و اعلامیه‌های امام و نوارهای سخنرانی‌های ایشان در مؤسسه توزیع می‌شد. زینبیه یکی از مکان‌های مهم تبلیغی ضد شاه محسوب می‌شد و ساواک چندین بار سعی در تعطیل کردن آن داشت (حدادپور، ۱۳۹۱).

در دوران مبارزات مردمی خواهران زینبیه بسیار فعال بوده و پا به پای مردان در راهپیمایی‌ها شرکت می‌کردند. ضمناً دستگاه تکثیری خاص چاپ اعلامیه‌های امام در زینبیه وجود داشت (بزاز، ۱۳۹۱). از دیگر مؤسسه‌هایی که برای آموزش مسائل دینی و انقلابی در اهواز توسط بازاریان راه اندازی شد، مکتب القرآن اهواز بود که در سال‌های اولیه دهه ۱۳۵۰ توسط عبدالحسین محمدزاده راه اندازی شد. انگیزه‌ی تأسیس آن علاوه بر مسائل مذهبی و تربیت جوانان، اهداف سیاسی و آشنا کردن جوانان با مسائل انقلاب و مبارزه علیه دولت پهلوی بود. سخنرانان معروفی چون علامه محمدتقی جعفری و شهید مرتضی مطهری در مکتب القرآن فعالیت داشتند. این مکان نیز در دادن آگاهی انقلابی به اعضا و مردم شهر اهواز تا حد زیادی مؤثر بود (علم، ۱۳۸۶: ۴۵۷-۴۴۰).

ارتباط با روحانیون

امام طی مراحل مختلف انقلاب خواهان نزدیکی و همدلی اقشار مختلف مردم با هم بودند. در همین راستا بازاریان اهواز رابطه‌ی نزدیکی با روحانیون و از جمله خود امام آغاز کردند. از جمله روحانیونی که منزل آنها محل تجمع اصناف بود، آیت‌الله مروج، آیت‌الله شیخ ابوالحسن انصاری، آیت‌الله جزایری و آیت‌الله شفیعی بودند که بازاریان زیر نظر آنها فعالیت‌های انقلابی را انجام می‌دادند. آیت‌الله امامی‌فر هم رابطه‌ی حسنه‌ای با اصناف داشتند (ملکی جهان، ۱۳۹۱). هر کدام از اینها به تناسب و فراخور وقت و حال خود و با توجه به اوضاع و شرایط آن روز فعالیت‌هایی داشتند. حضور آنها سبب مذهبی شدن هر چه بیشتر جامعه‌ی اصناف می‌شد.

بعضی از بازاریان اهواز با شخص امام در ارتباط بودند. از جمله آقای حدادپور هنگام حضور ایشان در نجف، نزد ایشان رفته و ضمن پرداخت سهم امام بازاریان اهواز، دستورات لازم را از ایشان دریافت داشت (حدادپور، ۱۳۹۱). آقای شمس (حاج علی شمس) نیز با امام در ارتباط بود و در یکی از موارد از ایشان اجازه‌ی صرف سهم امام را در فعالیت‌های انقلابی گرفت (شمس، ۱۳۹۱).

بازاریان اهواز احترام و ارادت خاصی برای امام قائل بودند و همیشه با دقت زیاد مسائل پیرامون زندگی ایشان و فعالیت‌های انقلابی وی را دنبال می‌کردند و همواره آماده جان فشانی در راه

ایشان بودند. با شهادت فرزند ایشان مجالس فراوانی از سوی بازاریان در جای جای شهر برگزار شد و به این ترتیب مراتب همدردی خود را با رهبر خویش ابراز داشتند. فراتر از برگزاری مجالس یادبود، اقدام بازاریان اهواز به تعطیلی بازار بود. اما این تعطیلی زیاد طول نکشید، چون ساواک آنها را مجبور به بازگشایی مغازه‌ها کرد (ثابت نام، ۱۳۹۱). برگزاری مراسم یادبود فرزند امام تا چهلمین روز درگذشت ایشان ادامه یافت. برای مراسم چهلم ایشان در قم عده‌ای از بازاریان اهواز نیز دعوت شدند. بازاریان پس از بازگشت به اهواز نوارهای سخنرانی‌های ایراد شده را با خود آورده و پس از تکثیر بین مردم پخش کردند (ملکی جهان، ۱۳۹۱).

بستن بازار، شرکت در تظاهرات و پخش اعلامیه‌های امام

همان‌طور که می‌دانیم امام خمینی در اواسط مبارزاتشان علیه حکومت پهلوی سرنگونی و انقراض این حکومت را هدف اصلی خود بیان نمود و به همین علت از همه‌ی اقشار مردم خواست تا به مبارزه علیه حکومت پردازند و جز سرنگونی دولت پهلوی به امر دیگری فکر نکنند. بازاریان اهواز نیز در راستای این بیانات و این هدف، فعالیت‌های خود را علیه دولت شدت بخشیدند. بر کسی پوشیده نیست که بازار نبض اقتصاد جوامع می‌باشد و برای فلج کردن اقتصاد هر دولتی کفایت در کار بازار اخلال ایجاد کرد.

بازاریان اهواز با آگاهی از این امر و در اوج مبارزات خود علیه حکومت، بارها اقدام به بستن بازار کردند. به طوری که اکثر کسانی که نگارنده با آنها مصاحبه کرده، تعطیلی بازار را از جمله فعالیت‌های انقلابی خود می‌دانستند. برای مثال وقتی در دی ماه ۵۶ در اعتراض به مقاله روزنامه اطلاعات در توهین به امام (ره)، تظاهرات مردم قم به خاک و خون کشیده شد و در سرتاسر کشور در حمایت از مردم قم تظاهراتی روی داد؛ در اهواز نیز مردم شورش کرده و بازار اعتصاب نمود (دی استمپل، ۱۳۷۷: ۱۳۵). بازاریان اهواز اگر هم در روزهای اعتصاب و تظاهرات مردم بازار را تعطیل نمی‌کردند اهداف دیگری داشتند. از جمله‌ی این اهداف پناه دادن به تظاهرات کنندگان در مغازه‌هایشان و یا کمک به فرارشان از راه‌های مخفی موجود در مغازه‌ها بود (شکیب و احمدیان، ۱۳۹۱).

از جمله اقدامات دیگر بازاریان اهواز در راستای دستورات امام (ره) و تبعیت از فرمایشات ایشان، پخش اعلامیه‌های ایشان بود. یکی از راه‌های دریافت اعلامیه‌های امام، گرفتن اعلامیه‌ها از بازار تهران و آوردن آنها در بین اجناس خریداری شده به خوزستان و پخش آنها میان مردم بود.

در اهواز اعلامیه‌ها با هزینه شخصی بازاریان تکثیر و توسط افراد مورد اعتماد به سایرین رسانده می‌شد (ملکی جهان، ۱۳۹۱). نگارنده نتوانست این اعلامیه‌ها را پیدا کند.

بازاریان همچنین در ترتیب دادن راه‌پیمایی‌ها و هماهنگی‌های قبل از تظاهرات نیز شرکت فعال داشتند. ذکر این نکته نیز ضروری است که اولین تظاهرات علیه حکومت پهلوی در اهواز را بازاریان ترتیب دادند. این راه‌پیمایی از مسجد طالب‌زاده شروع و تا خیابان امام ادامه یافت (بزاز، ۱۳۹۱). نوشتن شعارهای انقلابی و ضد حکومت نیز از جمله اقدامات بازاریان بود. پلاکاردها را شبانه به کابل‌های برق آویزان می‌کردند و شعارهای انقلابی را روی دیوار و آسفالت می‌نوشتند (شمس، ۱۳۹۱).

امام خمینی همواره به افشاگری علیه حکومت پهلوی می‌پرداختند و از دیگران نیز می‌خواستند تا در حد توان مفاسد دولت را به مردم بگویند. بازاریان اهواز در این زمینه نیز فعالیت خوبی داشتند. از جمله آقای عبدالجلیل آذر مهر در روز ولادت حضرت فاطمه (س) که مشغول سخنرانی برای عده‌ای از مردم و بازاریان بودند، ضمن بر شمردن جهاز آن حضرت و سادگی و مختصر بودنش به مقایسه آن با کاخ‌ها و پرده‌های رنگارنگ و وسایل پر زرق و برقی که سردمداران حکومت استفاده می‌کردند، پرداخت. ساواک با اطلاع از این امر او را بازداشت و با گرفتن تعهد و بعد از چند ساعت حبس او را آزاد کرد (آذر مهر، ۱۳۹۱).

فعالیت‌های مسلحانه‌ی بازاریان اهواز

اصناف اهواز فعالیت‌های مسلحانه نیز داشتند؛ از جمله در حادثه‌ی چهارشنبه‌سیاه اهواز که یک روز پس از رفتن محمدرضا شاه به خارج از کشور اتفاق افتاد. در این حادثه ایادی شاه در ارتش با تانک‌های چیتن به بازار حمله کرده و عده‌ای از مردم را به خاک و خون کشیدند. در چهارشنبه‌سیاه عده‌ای از بازاریان با اسلحه به مبارزه با ارتشیان پرداختند (ملکی جهان، ۱۳۹۱). عده‌ای که امکان دفاع مسلحانه برایشان امکان پذیر نبود، به شیوه‌های دیگر به مردم کمک می‌کردند. از جمله این که بازاریانی که خودروی شخصی داشتند، در حین فرار مردمی را که در خطر بودند، سوار کرده و از محل حادثه دور می‌کردند (مکتبی، ۱۳۹۱). عده‌ای از بازاریان نیز به سراغ راننده‌های تانک‌ها می‌رفتند و با ترفندهای مختلف آنها را مشغول می‌کردند و از ادامه تخریب و حمله به مکان‌های مختلف باز می‌داشتند. (مصاحبه با آقای ناطقی). یا اینکه عده‌ای از مأموران را به شیوه‌های مختلف دستگیر کرده و با گرفتن اسلحه و تنبیه کردن آنها آزادشان می‌کردند (گویا، ۱۳۹۱).

فعالیت‌های اجتماعی بازاریان اهواز

بازاریان اهواز علاوه بر این که خود در راه اندازی و ترتیب دادن بسیاری از راه‌پیمایی‌ها، تظاهرات و اعتصابات علیه حکومت پهلوی نقش داشتند و با تعطیلی بازار سعی در اختلال در روند عادی اوضاع می نمودند، از بسیاری از اعتصابات و اعتصابیون دیگر اقشار نیز در حد توان حمایت می کردند. آنها از اعتصاب کارکنان شرکت نفت در استان پشتیبانی کرده و با رساندن کمک‌های مالی به کارکنان، آنان را در ادامه ی اعتصابات یاری می کردند تا از این طریق حکومت را از مهمترین منبع درآمد خود که نفت بود، محروم سازند و روند فروپاشی و سقوط آن را که هدف مشترک امام و مردم بود، تسریع بخشند. بازاریان همچنین از اعتصاب بزرگ فرهنگیان حمایت کردند. (بزاز، ۱۳۹۱).

با نزدیک تر شدن به روزهای پایانی انقلاب، شور انقلابی بازاریان اهواز بیشتر و بیشتر می شد. یکی از مسائلی که در ماه‌ها و روزهای پایانی عمر حکومت پهلوی مردم را به ستوه آورده بود، گرانی و تورم شدید ناشی از درآمدهای کلان نفتی بود. در این مقطع زمانی بازاریان اهواز در ادامه ی تبعیت از دستورات امام به ویژه تصریح ایشان بر رسیدگی به حال مردم و تهیدستان، وارد عرصه شده و در حد امکان فرمان رهبر خویش را عملی کردند.

از جمله اقداماتی که در همین راستا توسط بازاریان اهواز صورت پذیرفت، کمک به ارزان شدن اجناس و تهیه اجناس مورد نیاز مردم و عرضه ی آنها به مردم با قیمتی پایین تر از قیمت خرید بود. روغن، آرد، برنج و دیگر اقلام خوراکی به این ترتیب در اختیار مردم و بویژه مستمندان قرار گرفت (گویا، ۱۳۹۱). سبد غذایی خاصی برای مناطق فقیر نشین شهر در نظر گرفته شد و مواد غذایی را در سبدهای خاص خانواده‌های کم جمعیت و پر جمعیت قرار داده و به آنها رساندند. آمار مردم کم بضاعت و بی بضاعت شهر با دقت خاصی توسط بازاریان تهیه شد. این آمار با پیروزی انقلاب در اختیار نهادهای مسئول از جمله بنیاد مستضعفان قرار داده شد و آنها را از گردآوری مجدد این آمار و ارقام بی نیاز و در تسریع روند کارشان کمک کرد (ملکی جهان، ۱۳۹۱). با افزایش تظاهرات و اعتصابات، حکومت برای مقابله با این امر از پذیرش مجروحان در بیمارستان‌ها خودداری کرد. گروهی از بازاریان اهواز با مراجعه به پزشکان انقلابی، اکیپ‌های بهداشتی راه اندازی کردند تا مجروحان تظاهرات را که بیمارستان‌ها از پذیرش آنها خودداری می کردند، مداوا کنند. آقای حدادپور نیز که مؤسسه دارو فروشی ابن سینا را اداره می کردند، داروی رایگان در اختیار اکیپ‌ها قرار می داد (بزاز، ۱۳۹۱).

نتیجه گیری

در جریان تحولات سیاسی ایران معاصر جامعه بازار و اصناف حضور پر رنگ و غیر قابل انکاری داشته است. این گروه در طول این دوران کنش های خود را در قالب موارد چندی به منصفه ظهور رسانده است. آن ها گاه به بستن مغازه ها و تعطیلی بازار می پرداختند؛ با حضور در انجمن ها و حتی تشکیل انجمن به کنش های فرهنگی و اجتماعی مختلفی در جهت مبارزه با حکومت های حاکم دست می زدند؛ گاه به مشارکت در زمینه ی مبارزه ی مسلحانه اقدام می ورزیدند؛ گاهی نیز در تظاهرات و بست نشینی ها شرکت کرده و به ایراد سخنرانی و برگزاری میتینگ های سیاسی می پرداختند. تأمین منابع مالی عوامل دست اندرکار انقلاب نیز از دیگر کنش های جامعه بازار در جریان انقلاب های تاریخ معاصر ایران زمین بوده است.

رابطه بازاریان و روحانیون همواره در طول تاریخ معاصر ایران نزدیک و دوستانه بوده است. این رابطه در دوره انقلاب اسلامی نزدیک تر گردید. بازاریان اهواز نیز پا به پای بازاریان سراسر کشور در صف اول مبارزه با حکومت پهلوی قرار داشتند. آنها به طور مستقیم با خود امام در ارتباط بودند و با اطاعت از دستورات امام سهم ویژه ای در پیروزی انقلاب بویژه در سطح استان ایفا نمودند. آن ها تا به ثمر نشستن انقلاب و حتی در روزهای سرنوشت ساز پس از پیروزی انقلاب نیز در کنار انقلاب ماندند.

شاید نتوان مهم ترین فعالیت جامعه بازاریان اهواز را در قالب یک کنش و اقدام خاص گنجانند. در واقع آنان برای آموزش مسائل اسلامی و انقلابی به اقشار مختلف به ویژه بانوان، مکاتب و انجمن های اسلامی را راه انداختند. در قالب این انجمن ها از محرومان دستگیری کردند. برای برگزاری سخنرانی ها در قالب انجمن ها با نزدیکان امام ارتباط برقرار کرده و سخنرانان مورد نظر امام از جمله شهید بهشتی، گل سرخی و شهید مطهری را برای ایراد سخنرانی به استان آوردند. آنها هم چنین راهپیمایی ها و تظاهرات متعددی ضد حکومت پهلوی به راه انداختند و یا اینکه خود دوشادوش مردم در تظاهرات شرکت کردند. برای فلج کردن اقتصاد دولت، بازار را به تعطیلی کشاندند. اعتصاب کنندگان سایر نهادها و دستگاه ها از جمله آموزش و پرورش و شرکت نفت را از نظر مالی تأمین کردند تا از این راه به ادامه اعتصاب آنان کمک کنند. لذا با توجه به این کنش ها می توان گفت که اغلب کنش های جامعه بازاریان اهواز در قالب همان کنش های بازاریان سراسر کشور جای می گیرد

منابع

الف: کتاب‌ها

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۰). ایران بین دو انقلاب، ترجمه کاظم فیروزمند، حسین شمس‌آوری و محسن مدیر شانه‌چی، تهران، نشر مرکز.
- آرکدی، نیکی (۱۳۶۹). ریشه‌های انقلاب ایران، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، انتشارات قلم.
- اسلیتر، دن و فرن تونکس (۱۳۸۶). جامعه بازار، بازار و نظریه اجتماعی مدرن، ترجمه حسین قاضیان، تهران، نشر نی.
- انوری، حسن (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن، تهران، نشر سخن، ج ۵.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۷۲). سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج، ترجمه عباس مخبر، تهران، طرح نو.
- خسروی، حسن و رضا وفايي یگانه (۱۳۸۷). بررسی نقش تشکلهای کارگری در تحولات بازار کار و اعتصابات کارگری، تهران، مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.
- خمینی، روح‌ا. (۱۳۸۷). اقتصاد در اندیشه امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- دولت آبادی، یحیی (۱۳۳۱). حیات یحیی، تهران، انتشارات کتابخانه ابن سینا، ج ۴.
- دی استمپل، جان (۱۳۷۷). درون انقلاب ایران، ترجمه منوچهر شجاعی، تهران، مؤسسه خدماتی فرهنگی رسا.
- سعید الشیخلی، صباح ابراهیم (۱۳۶۲). اصناف در عصر عباسی، ترجمه هادی عالم زاده، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۵). تاریخ الرسل و الملوک، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، نشر اساطیر، ج ۱۱.
- علم، محمدرضا (۱۳۸۶). انقلاب اسلامی در اهواز، تهران، مرکز انقلاب اسلامی، ج اول.
- فروتن، مجید (۱۳۷۴). فرهنگ فارسی دانش، تهران، نشر مهتاب، ج ۲.
- فوران، جان (۱۳۸۲). مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران، احمد تدین، تهران، رسا.
- کسروی، احمد (۱۳۵۱). تاریخ مشروطه ایران، تهران، امیرکبیر.
- کمالان، سید مهدی (۱۳۸۷). قانون نظام صنفی، تهران، انتشارات کمالان.
- کی استوان، حسین (۱۳۲۷). تاریخ نهضت‌های ایران، چاپ اول، تهران.

- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲). جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- مصاحب، غلامحسین و دیگران (۱۳۵۶). دایره المعارف فارسی، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، ج ۲.
- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۹). تحولات سیاسی - اجتماعی ایران (۱۳۵۰-۱۳۲۰)، تهران، روزنه.
- نجاتی، غلامرضا (۱۳۷۹). تاریخ سیاسی ۲۵ ساله ایران، تهران، مؤسسه خدماتی فرهنگی رسا، ج ۱.

ب: مقالات

- روحانی، سید کاظم، «مآخذشناسی اصناف»، نشریه کیهان اندیشه، خرداد و تیر ۱۳۶۷، شماره ۱۸.

ج: اسناد آرشیوی

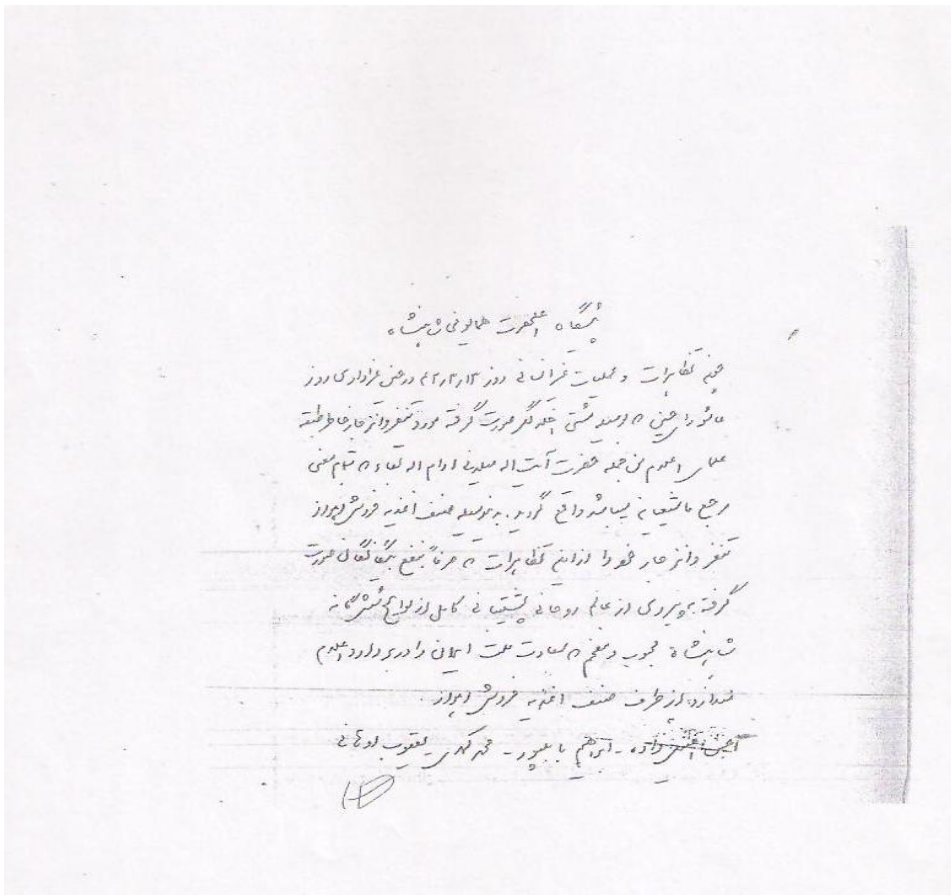
- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بایگانی ۰۰۶۶۶۰۱۸.
- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بایگانی ۱۱۹۲۲۸.
- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بایگانی ۱۱۹۲۲۳.
- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بایگانی ۱۱۹۲۲۴.
- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بایگانی ۰۰۶۶۲۰۰۹.

د: مصاحبه‌ها

- آذر مهر، عبدالجلیل، اهواز، بازار امام، ۱۲ ظهر، ۱۳۹۱/۴/۴.
- احمدیان، احمد، اهواز، بازار امام، ۱۲ ظهر، ۱۳۹۱/۴/۱۰.
- بزاز، اهواز، منزل شخصی ایشان، ساعت ۱۹، ۹۱/۵/۱۹.
- ثابت نام، عبدالحسین، اهواز، ۱۲ ظهر، ۱۳۹۱/۴/۱۵.
- حدادپور، اهواز، کتابخانه عمومی حضرت فاطمه، ساعت ۸ صبح، ۱۳۹۱/۷/۱۵.
- سراجان، قائمیه اهواز، ۸ صبح، ۹۱/۴/۱۰.
- شمس، خداداد، اهواز، بازار امام، ۱۲ ظهر، ۱۳۹۱/۴/۱۳.
- شمس، علی، قائمیه اهواز، ۲۱ شب، ۱۳۹۱/۶/۷.
- شکبیا، علیرضا، اهواز، بازار امام، ۱۱ صبح، ۱۳۹۱/۴/۱۰.
- کرمانشاهی، مسعود، قائمیه اهواز، ساعت ۲۱، ۱۳۹۱/۵/۲۲.

- گویا، اهواز، بازار امام، ۱۲ ظهر، ۱۳۹۱/۴/۲۱.
- ملکی جهان، محمدعلی، اهواز، انجمن اسلامی بازار، ۱۱ صبح، ۱۳۹۱/۶/۱۳.
- مکتبی، عبدالله، اهواز، بازار امام، ساعت ۲۲، ۱۳۹۱/۴/۱۰.
- ناطقی، اهواز، خیابان طالقانی، بازار طلافروشان، ۱۱ صبح، ۱۳۹۱/۴/۱۸.

پیوست‌ها



حمایت صنف اغذیه فروشی اهواز از امام خمینی (ره)

مجموع بحث و بررسی نماز در مکتب قرآن اهواز - دژم آبانماه ۱۳۵۴م
 برسیله محققین و اساتید حوزه علمیه قم و دانشگاه های تهران تبریز اصفهان -

شماره	سخنران	موضوع سخنرانی	تاریخ	ساعت
۱	سید علی شمشیری	نماز در سبب زندگی	شبهه ۲۰ آبان	۸ ب
۲	دکتر اسدالله کوشی	نماز در تربیت و تقویت اخلاق و ایمان	شبهه چهارم ۲۳ آبان	۸ ب
۳	سید محمد علی کوشش	تفسیر آیات نماز	پنجشنبه ۲۵ آبان	۸ ب
۴	سید مجاهد بشیرزوی	نماز اخلاقی - نماز استقامتی	شنبه و یکشنبه ۲۷ و ۲۸ آبان	۸ ب
۵	مهندس قراچی	فلسفه نماز (اسمی و معنوی)	دو شنبه و سه شنبه ۲۹ و ۳۰ آبان	۸ ب
۶	سید رضا زینتی	نماز از دیدگاه وحی	شنبه و یکشنبه ۱ و ۲ آبان	۸ ب
۷	دکتر احمد صبور اردوبادی	بناهای بنام حضرت ائمه اطهار علیهم السلام و آثار و آثار آن	دو شنبه و سه شنبه ۳ و ۴ آبان	۸ ب
۸	مهندس سعید علی سادات	نماز مکتب اجتهاد و فقه - از منظر تاریخ و فرهنگ	چهارشنبه و پنجشنبه ۵ و ۶ آبان	۸ ب
۹	دکتر ناصر الدین شاه سیستانی	نماز چگونه کار می کند - نماز در حرکت قرآن	یکشنبه و دوشنبه ۷ و ۸ آبان	۸ ب
۱۰	دکتر حسین گورگانی	نماز از دیدگاه قرآن و تفسیر آیات	سه شنبه و چهارشنبه ۹ و ۱۰ آبان	۸ ب
۱۱	دکتر حبیب الدین پیمان (پایدار)	خودسازی نماز	پنجشنبه ۱۲ آبان	۸ ب
۱۲	رضا اصفهانی	حرکات سجده نماز	شنبه و یکشنبه ۱۳ و ۱۴ آبان	۸ ب
۱۳	دکتر عدو عادل	در جستجوی معنی و فلسفه مستقیم	دو شنبه و سه شنبه ۱۵ و ۱۶ آبان	۸ ب
۱۴	دکتر علی شهبازی	جنبه های تربیتی نماز - پرستش و انقطاع	چهارشنبه و پنجشنبه ۱۷ و ۱۸ آبان	۸ ب
۱۵	دکتر مصطفی داد (محقق)	ذکر الله	شنبه و یکشنبه ۱۹ و ۲۰ آبان	۸ ب
۱۶	دکتر عزت الله زاروش	سازندگی در فرد و جامعه از نظر قرآن در فرهنگ معاصر	یکشنبه و دوشنبه ۲۱ و ۲۲ آبان	۸ ب

مرکز اسناد و اطلاع رسانی
 آرشید

تذکره: اسامی سایر محققین و برگزارکنندگان معاصر حرکت در شمار بده اعلام خواهد شد.

مجموع بحث و بررسی نماز در مکتب قرآن اهواز

دین و مسئولیت

هفتاد و یکمین شماره مجله سوره رهبر اسلامی
عنوان سخنرانی علامه فیلسوف

مهر تفسیر مطهری

از دوشنبه ۲۷ اسفندماه در ساعت ۸:۴۵
پندار نظیر بیعت ۷ شب در

تالار مکتب قرآن

مکان: تالار مکتب قرآن
زمان: پنجشنبه ۳۱ مرداد شنبه یکم
و یکشنبه دوم شهریورماه
شروع: ساعت ۸:۴۵ پندار نظیر
اهواز - خیابان کلاهد
چهارراه فردوسی-لنن ۲۲۹۲۷

تلف: ۳۵۷۷۲۱۵-۶

فلسفه و اهداف زندگی

عنوان ۳ جلد سخنرانی
فیلسوف عالیقدر، استاد گرانمایه
محمد تقی جعفری

یکشنبه ۲۲ و دوشنبه ۲۳ و سه شنبه ۲۴ آذرماه ۵۳

در قباله

تاریخ: پنجشنبه ۲۳ شهریورماه ۵۳
مکان: تالار مکتب قرآن
زمان: ساعت ۸:۴۵
شروع: ساعت ۸:۴۵
پندار نظیر

تلف: ۳۵۷۷۲۱۵-۶

علی شفیعی

مکتب قرآن
مکان: تالار مکتب قرآن
زمان: ساعت ۸:۴۵
شروع: ساعت ۸:۴۵
پندار نظیر

تلف: ۳۵۷۷۲۱۵-۶

درستای توحیدی

مکتب قرآن
مکان: تالار مکتب قرآن
زمان: ساعت ۸:۴۵
شروع: ساعت ۸:۴۵
پندار نظیر

تلف: ۳۵۷۷۲۱۵-۶

بی آزار شیوازی

مکتب قرآن
مکان: تالار مکتب قرآن
زمان: ساعت ۸:۴۵
شروع: ساعت ۸:۴۵
پندار نظیر

تلف: ۳۵۷۷۲۱۵-۶

تالار مکتب قرآن

مکان: تالار مکتب قرآن
زمان: ساعت ۸:۴۵
شروع: ساعت ۸:۴۵
پندار نظیر

تلف: ۳۵۷۷۲۱۵-۶

حضور سخنرانان در اهواز

جالب شیرین آهوند

برنامه کودک

پوسه که کوی مطهری جنب آقای محمد حسن

واستگویی

مکان - تالار مکتب قرآن
 زمان - ۱۷ دیماه به مدت ۷ شب ساعت ۷ بهنزار
 قسمتاً هر شب قبل از شروع برنامه یک جلسه فیلم زنده
 به معرض نمایش گذاشته میشود

۱۶ جلسه اول هفته پرشور اوقات قرآن
 ساعت ۷ بهنزار ظهر - روز برای همه آقایان

مردم از این باخ بری می‌رسند
 توزیع از تقویم می‌رسند

موسسه و کتابخانه جوانان اسلامی مکتب قرآن

مهدی امیر کمالی

تئاتر جوانان و دانش و دانش را به نفع مردم و توسعه معنای مکتب قرآن
 به دانش روز و قرآن، دانش ما را به روز راند
 قرآن و پیامبر چه می‌گویند
 آموزش بافت و ساختار انسان
 تعلیم و تربیت کنونی - نوین و علمی و شعری

در سطح جوانان

و ضمن این روشها، مطالعه کتابها، سخنرانی، مجامع، کلاسها و مسابقات علمی و فرهنگی می‌گردد
 تا جایی که امکان است در سطح محلی، ملی و و به تمام کلاسها، کتابخانه‌ها می‌گردد
 از طریق این روشها، شبها از ساعت ۲۴ دیماه ۵۳ مطابق برنامه مجرم ساعت ۷ بهنزار
 مکان: تالار مکتب قرآن

مرکز اسناد و کتابخانه ملی
 - تهرانی -

جالب شیرین اینکاری

قیافه مجرم

در برنامه ارزنده معنی و معنی

استاد محسن قرآنی

در پنجمه ۲۴ بهمن ماه ۵۳ مطابق اول مهر ۹۵ - مدت ...

در تالار مکتب قرآن

خاتمه‌ها - روزها ساعت ۴:۴۵ - ۷ بهنزار ظهر
 آقایان - شبها ساعت ۸:۴۵

بیشت شور انگیز نمایشی (از میان مردم پرخواستار) بر انصافیت
 و آفات که باسلام جبهه پیشرفت شان یاب

بیت خیریه
 خیرات
 پر خیرات
 خیرات
 تکمیل اثرهای مجرب و نهایی
 و آگاهی بران ...

مدیر گروهی بهمن باشکوه و بیست شرح لفظه آن با دانشند نظم و گردیده قرآنی
 جنب آقای

رضا گلپسر خسی است

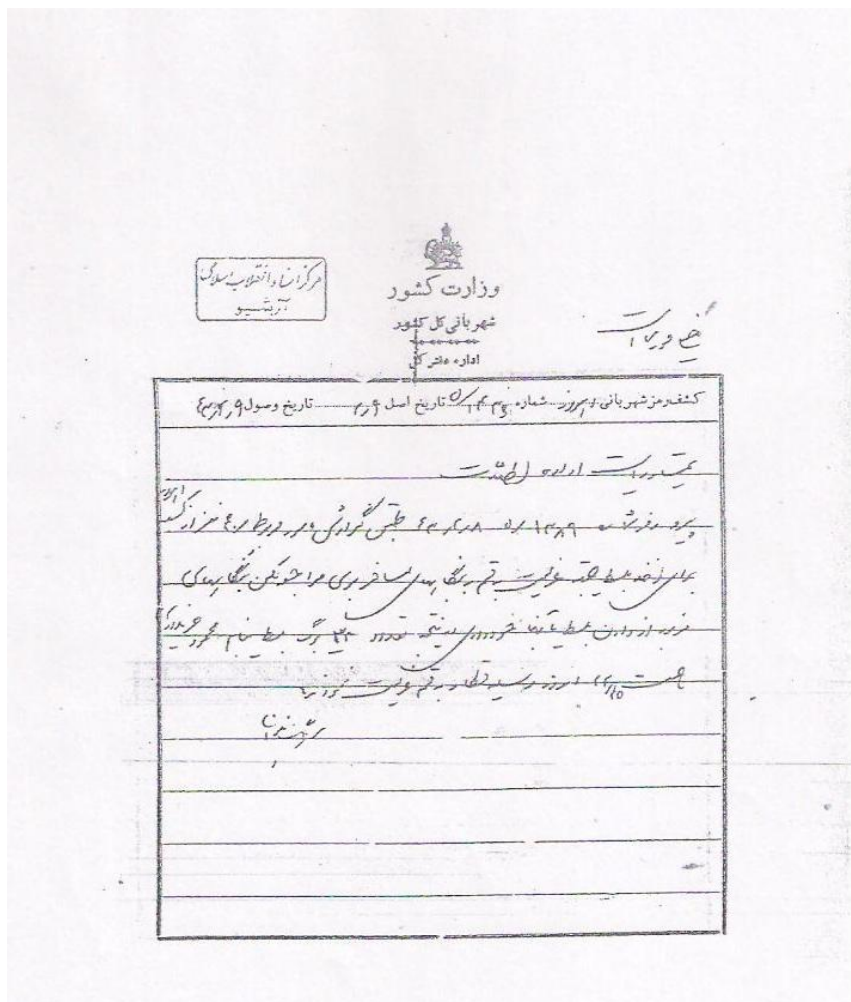
مکان: [مجلس مسجد و مکتب خیرات]
 دیماه ۱۳۰۰ - مسجد و مکتب خیرات
 زمان: ۱۴ - ۱۵ - ۱۶ فروردین ۱۳۰۱ مطابق ۳۱ الی ۳۳ رجب ترویج ساعت و شب

با اسلام بیشتر و بهتر آشنا شویم

در سهای اصول عقاید
 بارزها - علمی - اینکده‌ها - شیرین
 پوسه
 استاد محسن قرآنی

«مکتب قرآن»

حضور سخنرانان در اهواز



اثرات تبعید امام(ره) در بین بازاریان اهواز (ص ۳)

